

قانون رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری

اسلامی ایران

مصوب ۱۳۹۴/۸/۹

درباره‌ی قانون

«طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران» که توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مجلس تقدیم شده بود، در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۹ با قید یک فوریت برای بررسی به کمیسیون قضایی و حقوقی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، ضرورت ارائه‌ی آن بدین صورت تبیین شده است: «سلامت هر سازمان یا دستگاهی بستگی به سلامت مدیران و کارکنان آن دارد. شاخص سلامت حکومت‌ها نیز در سلامت اداری نمایان می‌شود. عملکرد مدیران و کارکنان موفق، پاک و منزه موجب رضایت‌مندی مردم به دستگاه‌های دولتی و در افقی وسیع‌تر به حکومت می‌گردد. به همان میزان که سلامت اداری سبب جلب اعتماد مردم به نظام می‌شود، فساد اداری باعث هدر رفتن منابع ملی و کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور جامعه می‌شود. زیاده‌خواهی، سوء مدیریت، فقدان تجربه، عدم آشنایی به وظایف و عدم پایبندی به ارزش‌های اسلامی و انسانی، فساد اداری را موجب شده و این فساد، بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی را ترویج و اعتماد و ارزش‌های اخلاقی جامعه را متزلزل می‌کند، هزینه‌های انجام کار را افزایش می‌دهد و در نهایت استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی را به سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل‌الوصول سوق می‌دهد و در این حالت دوری مردم از حکومت را می‌باید انتظار داشت. فساد اداری پدیده‌ای است که کم و بیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. موضوع ثروت‌های بادآورده و نامشروع به عنوان یکی از مصادیق آشکار فساد اداری، مالی همواره از مهم‌ترین نگرانی‌های مردم مؤمن و عدالت‌خواه و رهبری معظم انقلاب بوده است. بهترین راه مبارزه با این پدیده، سعی در بستن منافذ طمع‌ورزی و بسترهای سوء استفاده از اموال و منافع عمومی است. از گذشته‌های دور مصلحین و خیرخواهان جوامع و حتی دولت‌ها سعی در مبارزه با مفاسد اقتصادی داشته‌اند؛ زیرا حیات هر نظامی بسته به گسترش عدالت اجتماعی است و عدالت اجتماعی با مفاسد اقتصادی قابل جمع نیست. در نهم اسفند سال ۱۳۳۷ هجری شمسی قانونی به نام «قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به

آنها» به تصویب رسید که به قانون «از کجا آورده‌ای» شهرت یافت و در شرایط فعلی به دلیل تغییر ساختار اجرایی کشور برای حل مشکل کافی نمی‌باشد. از طریق سازمان‌های بین‌المللی نیز تلاش‌های گسترده‌ای برای مبارزه همه‌جانبه با این پدیده خطرناک صورت گرفته است. برای نمونه بند (۵) ماده (۸) کنوانسیون مبارزه با فساد که لایحه آن به تصویب مجلس رسیده است مقرر داشته: «هر کشور عضو، در صورت لزوم تلاش خواهد کرد طبق اصول اساسی قوانین داخلی خود تدابیری اتخاذ کند تا کارمندان دولت ملزم به اظهار مشاغل خارج سازمانی، سرمایه‌گذاری‌ها، دارایی‌ها و هدایای کلان یا منافی که ممکن است از آن، تضاد منافع در رابطه با وظایف آنها به عنوان مقامات دولتی بروز کند، اظهاریه‌هایی را برای مراجع مربوط تهیه نمایند.» آنچه در طرح ذیل آمده نتیجه مطالعات قوانین داخلی و خارجی و بهره‌گیری از تجربیات گذشته است. لذا طرح زیر جهت تصویب تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.»

پس از وصول گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی، این طرح در صحن علنی مجلس مطرح شد و سرانجام در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۵، با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۹۹/۵۳۵۹ مورخ ۱۳۸۶/۴/۹ به شورای نگهبان ارسال شد. بررسی این مصوبه در دستور جلسات مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۳ و ۱۳۸۶/۴/۲۰ شورای نگهبان قرار گرفت که اعضای شورا پس از بحث در خصوص مواد این مصوبه، مفاد آن را در برخی موارد، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص دادند و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۷۰ مورخ ۱۳۸۶/۴/۲۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

با توجه به پایان کار مجلس هفتم ادامه‌ی امور مربوط به این مصوبه در دستور کار مجلس هشتم قرار گرفت. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۸ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۳۱/۸۳۳۹۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۱ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۵ شورای نگهبان قرار گرفت که پس از بحث و بررسی، اعضای شورا اصلاحات انجام‌شده را در برخی موارد، رافع ایرادهای قبلی خود ندانستند و نظر خود مبنی بر وجود ابهام در ماده (۲) و همچنین مغایرت مواد (۲) و (۱۳) این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۸۹/۳۰/۴۱۹۰۵ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند. با بازگشت این مصوبه به مجلس، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۸ با اصرار بر مصوبه‌ی سابق خویش در خصوص مواد (۲) و (۱۳)، تصویب آن را موافق مصلحت نظام تشخیص دادند و مصوبه را بر اساس اصل (۱۱۲) قانون اساسی برای حل اختلاف، طی نامه‌ی شماره ۳۱/۴۷۷۴ مورخ ۱۳۹۰/۱/۳۱ به مجمع

تشخیص مصلحت نظام ارسال کردند. مجمع نیز پس از بررسی حقوقی این مصوبه، با استناد به نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از اصل (۱۱۲) قانون اساسی در خصوص غیر قابل بررسی بودن مصوبات مبهم شناخته شده توسط شورای نگهبان در مجمع تشخیص مصلحت نظام، ورود ماهوی به موضوع این مصوبه را منتفی اعلام کرد و آن را طی نامه‌ی شماره ۹۰۳۷۵-۹۷۰۰ مورخ ۱۳۹۰/۹/۱۲ جهت طی مراحل قانونی و رفع ابهام از مصوبه به مجلس برگشت داد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ابهام مزبور، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۲ اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۳۱/۷/۱۹۶ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۸ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. شورای نگهبان نیز این مصوبه‌ی اصلاحی را در دستور کار جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۳ خود قرار داد که پس از بحث و بررسی، ضمن تصریح این شورا به رفع ابهام از ماده (۲)، همچنان اصلاحات انجام شده را رافع ایرادهای قبلی خود در خصوص مغایرت مواد (۲) و (۱۳) با قانون اساسی ندانست و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۰/۳۰/۴۵۸۹۹ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. نمایندگان مجلس، این بار نیز در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۷، با اصرار بر مصوبه‌ی خویش، تصویب آن را به همین صورت، موافق مصلحت نظام تشخیص دادند و آن را برای حل اختلاف مطابق با اصل (۱۱۲) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۱/۷/۲۰ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۳ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کردند. با وصول این مصوبه به مجمع، بررسی این موضوع در دستور جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۸/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و پس از بررسی‌های لازم، بر اساس چهارچوب مطرح شده در مرقومه‌ی شماره ۱/۲۸۸۲۳ مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۶ مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، این مصوبه را در شش ماده، بیست و نه بند و سه تبصره به تصویب رساند و متن مصوبه‌ی نهایی را طی نامه‌ی شماره ۸۷۹۸۳/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۶/۴/۵ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۶/۴/۱۳ و ۱۳۸۶/۴/۲۰

ماده ۱- مقامات و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران موظفند دارایی خود، همسر و فرزندان خود را مطابق مقررات این قانون اعلام نمایند.

...

ماده ۴- مقامات و مسئولین زیر موظفند صورت دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از خدمت به رئیس قوه قضائیه اعلام نمایند.

- ۱- اعضاء مجلس خبرگان
- ۲- اعضاء حقوقدان شورای نگهبان
- ۳- نمايندگان مجلس شورای اسلامی
- ۴- معاونان رئیس قوه قضائیه و رؤساء سازمان‌ها و دستگاه‌های وابسته به این قوه و معاونان آنان
- ۵- دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور و رئیس دیوان عدالت اداری و معاونان آنان
- ۶- اعضاء شورای موقت رهبری
- ۷- سرپرستان وزارتخانه‌ها
- ۸- رؤساء نهادها و حوزه‌های نمایندگی ولی فقیه و رؤساء عقیدتی- سیاسی در دانشگاه‌ها و نیروهای نظامی و انتظامی
- ۹- رؤساء دفاتر سران سه قوه و مشاوران آنان
- ۱۰- مشاوران رؤساء سه قوه و مشاوران معاونان آنان
- ۱۱- معاونان وزراء و مشاوران وزراء و معاونان آنان
- ۱۲- دبیر و معاونان و اعضاء شورای عالی امنیت ملی و مشاوران آنان
- ۱۳- رئیس، دادستان و مستشاران و دادیاران دیوان محاسبات کشور
- ۱۴- رئیس، دبیر کل و معاونان و مشاوران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۵- دارندگان پایه قضایی
- ۱۶- رؤساء و معاونان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی
- ۱۷- فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح از جایگاه سرتیپ دومی و به بالا
- ۱۸- مدیران عامل، اعضاء هیئت مدیره و بازرسان بیمه‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و رؤساء شعب آنها و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آنها
- ۱۹- استانداران، فرمانداران، بخشداران، شهرداران و معاونان آنها و اعضاء شورای اسلامی شهر و بخش
- ۲۰- سفرا، کارداران و دبیران اول و دوم سفارتخانه‌ها
- ۲۱- رؤساء سازمان‌ها و مدیران کل دستگاه‌های موضوع این قانون و هم‌تراز آنان و بالاتر
- ۲۲- مسئولان حراست کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و نیروهای مسلح
- ۲۳- اعضاء مجامع عمومی، هیئت مدیره، هیئت امناء، مدیر عامل و بازرسان شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت

- ۲۴- نمایندگان دولت در مؤسسات و شرکت‌هایی که قسمتی از سرمایه سهام یا منافع آنها متعلق به دولت یا نهادها یا مؤسسات عمومی غیر دولتی بوده یا نظارت اداره یا مدیریت آنها با دولت یا مؤسسات یا نهادهای عمومی غیر دولتی است.
- ۲۵- ذی‌حساب‌ها و رؤساء مؤسسات عام‌المنفعه عمومی و شرکت‌ها و مؤسسات تحت پوشش آنها
- ۲۶- مدیران بنگاه‌های خیریه‌ای که از دولت و شهرداری‌ها کمک مستمر دریافت می‌کنند.
- ۲۷- اعضاء هیئت مدیره، مدیر عامل و بازرسان مناطق آزاد تجاری و معاونان و مشاوران آنها و مؤسسات و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است.

دیدگاه مغایرت

الف) طبق اصل (۱۴۲) قانون اساسی «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.» اصل (۱۴۲) قانون اساسی نوع خاصی از نظارت را برای افراد مشخصی در نظر گرفته است که این ذکر عناوین مشخص و تعدید آنها، ظهور بر حصر دارد؛ به این معنا که اگر غیر از این افراد، مقصود قانون‌گذار اساسی بود، در این اصل نام آنان نیز ذکر می‌شد. در نتیجه عدم ذکر موارد دیگر به معنای عدم شمول و عدم قصد آن موارد توسط قانون‌گذار اساسی است و لذا اضافه کردن سایر اشخاص و مسئولان به موضوع این اصل در این مصوبه‌ی مجلس، مغایر با این اصل است. البته کاملاً مشخص است که عدم امکان شمول این اصل و این نوع خاص از نظارت نسبت به سایر موارد، مانع اعمال سایر انواع نظارت‌ها نسبت به سایرین نمی‌شود. همان‌گونه که سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات نوعی از نظارت را بر برخی افراد اعمال می‌کنند. شورای نگهبان در سال ۱۳۷۰ نیز در بررسی «طرح نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیر ضرور و جلوگیری از تجمل‌گرایی»، ماده (۵) این مصوبه را از جهت تسری دادن رسیدگی به دارایی مقامات مذکور در اصل (۱۴۲) به مقامات دیگر، خلاف حصر مستفاد از این اصل بیان کرده بود.^۱

همچنین در نظام اسلامی فرض بر سلامت و تقوای مسئولین است؛ لذا اینکه بر تمامی اموال و دارایی‌های مسئولین و مقامات حکومتی مذکور در این مصوبه نظارتی کامل صورت گیرد، این موضوع را القاء می‌کند که به مدیران کشور بدبینی وجود داشته و تمامی آنها به بیت‌المال دست‌اندازی می‌کنند؛ لذا این مصوبه از این جهت که القای خلاف واقع می‌کند نیز دارای ایراد است.

۱. نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۷۰ مورخ ۱۳۸۶/۴/۲۵ شورای نگهبان.

ب) طبق اصل (۴۷) قانون اساسی و مبتنی بر موازین شرع، اصل بر صحت تصرفات مالکانه و محترم شمردن مالکیتی است که از راه مشروع تحصیل شده باشد. از جمله مصادیق احترام به مالکیت اشخاص، حق اعلام یا عدم اعلام دارایی توسط افراد است. اصل (۱۴۲) قانون اساسی که خلاف این موضوع است، این حق (= حق عدم اعلام دارایی) را تخصیص زده و موارد این تخصیص را نیز مشخص کرده است. لذا هرگونه توسعه‌ی موضوع این اصل -چه با عنوان ادامه‌ی این اصل و چه با عنوان یک قانون مستقل و عادی- از آنجا که مورد نظر قانون‌گذار اساسی نیست، مغایر با قانون اساسی و موازین شرع است.

ج) در مورد اموال و مالکیت اشخاص، اصل بر این است که از طریق مشروع به دست آمده‌اند و به ناحق افزایش نیافته‌اند؛ در نتیجه برای بازرسی باید اتهامی وجود داشته باشد تا رسیدگی صورت گیرد؛ چه آنکه بر اساس موازین شرعی و همچنین طبق اصل (۳۷) قانون اساسی، اصل بر براءت افراد است. بر این اساس، در مورد اصل (۱۴۲) قانون اساسی که خلاف این اصل است و متعرض رسیدگی ابتدایی به دارایی برخی مقامات و وابستگان آنها بدون ایراد اتهام شده، باید به موارد مذکور در آن اکتفا شده و به غیر آن توسعه پیدا نکند. با این استدلال، مشخص است که موارد مذکور در اصل (۱۴۲) قانون اساسی حصری بوده و بنابراین توسعه‌ی دامنه‌ی شمول افراد مذکور در آن اصل به سایر افراد، مغایر با قانون اساسی و موازین شرعی خواهد بود.

د) اگرچه مفاد اصل (۱۴۲) حصری نیست و می‌توان شرط تصدی مسئولیت‌های دولتی و حاکمیتی توسط افرادی به جز افراد مذکور در اصل (۱۴۲) را منوط به اعلام دارایی آنها کرد ولی تعمیم اعلام دارایی آنان به همسر و فرزندان آنان دارای ایراد شرعی است؛ زیرا همسر و فرزندان بالغ مسئولان، خود صاحب اختیار هستند و ولایتی از سوی همسر یا والد بر آنان نیست و لذا اجبار این افراد به اعلام دارایی در صورتی که برخلاف میلشان باشد، خلاف موازین شرع است.

همچنین تعمیم حکم اعلام دارایی و اموال از مصادیق اصل (۱۴۲) قانون اساسی به سایر مقامات و گسترش دامنه‌ی مصادیق آن، زمینه‌ی حضور افراد توانمند در مناصب حکومتی را کمرنگ خواهد کرد. به عبارت دیگر تقیید این حکم موجب تضییق حق افراد برای انتخاب شدن در مناصب حکومتی می‌شود.

از سوی دیگر حتی اگر بتوان پذیرفت در مواردی که فردی خواهان تصدی مسئولیت حاکمیتی است می‌تواند یا رضایت همسر و فرزندان خود را اخذ کند یا از تصدی سیمت چشم‌پوشی کند، لیکن این استدلال در خصوص ایام پس از دوران خدمت افراد، خدشه‌پذیر است؛ زیرا ممکن است فرد مسئول نتواند رضایت همسر و فرزندان خود را برای اعلام دارایی‌شان کسب کند. لذا با توجه به نامقدور بودن این امر برای فرد مسئول، اطلاق الزام اشخاص به این امر، مغایر با موازین شرعی خواهد بود.

ه) بند (۱) ماده (۴) این مصوبه، اعضای مجلس خبرگان را موظف کرده است که داری خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از خدمت به رئیس قوه قضائیه اعلام کنند. این اقدام قانون‌گذار به معنای اضافه کردن شرطی به شرایط نامزدی مجلس خبرگان است. این در حالی است که به موجب اصل (۱۰۸) قانون اساسی هرگونه تغییر و تجدید نظر در قانون مجلس خبرگان و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود خبرگان است. بر این اساس، بند (۱) ماده (۴) از این حیث که بر خلاف اصل (۱۰۸) در حیطه صلاحیت مجلس خبرگان دخالت کرده است، مغایر با این اصل است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) استثناء دو گونه است؛ یا استثنای از منع است یا استثنای از الزام. استثنای از منع به معنای منع همه‌ی موارد است، جز مواردی که استثناء شده است و استثناء از الزام به معنای عدم الزام همه‌ی موارد است جز مواردی که به آنها الزام شده است؛ به این معنا که در سایر موارد غیر از موارد استثناء شده، الزامی وجود ندارد و البته منعی هم وجود ندارد و می‌توان آنها را نیز الزام کرد. اصل (۱۴۲) قانون اساسی پیرامون اعلام داری مقامات مذکور در آن، الزام دارد و اگرچه در مورد سایر مقامات الزامی نکرده است ولی الزام آنان را ممنوع نیز نکرده است. بر این اساس نمایندگان مجلس می‌توانند دیگر مقامات را حسب قانون عادی الزام به اعلام صورت داری و اموالشان کنند. لذا مفاد این مصوبه در خصوص لزوم اعلام داری توسط برخی مقامات غیر مذکور در اصل (۱۴۲)، مغایرتی با این اصل ندارد.

همچنین اعلام داری توسط مسئولان نه تنها موجب بدبینی به مسئولان نظام نمی‌شود، بلکه موجب می‌شود تا مردم با آگاهی از سلامت مسئولان، از ایراد اتهام به آنها خودداری کنند و مسئولان خود را افرادی سالم بدانند. از سوی دیگر، برخی افراد ناشایسته‌ای که بر این مناصب تکیه می‌زنند نیز نخواهند توانست از فرصتی که برایشان مهیا شده است، سوء استفاده کرده و به ناحق به اموال و داری‌های خود بیفزایند.

ب) موضوع اصل (۱۴۲) قانون اساسی اولویت است نه انحصار؛ زیرا وقتی به موجب این اصل داری مقام اول و دوم مملکت را می‌توان مورد رسیدگی قرار داد، به طریق اولی می‌توان داری سایر افرادی که در رده‌های پایین‌تر قرار دارند را نیز مورد رسیدگی قرار داد و مصلحتی را که در انجام این امر وجود دارد نسبت به سایر افراد نیز اعمال کرد. بر این اساس نمی‌توان ذکر مقامات مذکور در اصل (۱۴۲) را مفید حصر حکم این اصل به این افراد دانست و لزوم اعلام داری را صرفاً به همین افراد محدود کرد و امکان تصویب قانون در مجلس برای تسری این حکم به سایر مسئولان را ناممکن تلقی کرد. بدین ترتیب، این مصوبه که مقامات مسئول دیگری افزون بر

مقامات مذکور در اصل (۱۴۲) را مکلف به اعلام دارایی خود کرده است، نمی‌توان مغایر با اصل (۱۴۲) دانست.

ج) اگرچه محتوای اصل (۱۴۲) قانون اساسی حصری است و موضوع آن، حصر رسیدگی به دارایی برخی مقامات توسط رئیس قوه قضائیه است، ولی رسیدگی به اموال سایر افراد و واگذاری این امر به غیر رئیس قوه قضائیه (سایر مقامات غیر از ایشان) قابل تقنین است و مجلس شورای اسلامی می‌تواند از عموماً اختیارات خود استفاده کرده و افراد دیگری را به عنوان یک قانون مستقل تحت نظارت قرار دهد. بنابراین از آنجا که موضوع اصل (۱۴۲)، حصر این افراد نسبت به رسیدگی توسط رئیس قوه قضائیه است و نه حصر این افراد به طور کلی و به بیان دیگر از آنجا که قانون اساسی به طور مطلق نظارت بر کارگزاران دولتی و حکومتی را منع نکرده است، لذا این مصوبه از این حیث که افرادی دیگری غیر از افراد مذکور در اصل (۱۴۲) را ملزم به اعلام دارایی خود کرده است، مغایرتی با این اصل ندارد. تنها ایراد جزئی که می‌توان به این مصوبه وارد دانست، تصریح ماده (۴) آن به اعلام دارایی به رئیس قوه قضائیه است که می‌توان این موضوع را از این ماده حذف کرد.

د) اعلام دارایی مقامات فی نفسه، مغایرتی با موازین شرعی ندارد؛ زیرا این اعلام را نمی‌توان از باب اموری چون غیبت یا تهمت مغایر با موازین شرعی دانست. صرفاً در مواردی می‌توان این امر را غیر شرعی دانست که جزء اسرار افراد باشد و افراد راضی به افشای آن نباشند. ضمن اینکه در این خصوص نیز می‌توان با مقید کردن مفاد این مصوبه به محرمانه تلقی کردن دارایی مقامات و عدم افشای آن، از وقوع این امر نیز جلوگیری کرد. بر این اساس نمی‌توان از لحاظ شرعی اصل را بر عدم اعلام دارایی دانست و الزام قانونی مبنی بر اعلام دارایی را مغایر با موازین شرعی قلمداد کرد.

ه) لزوم اعلام دارایی توسط مقامات بر اساس توافقی است که با آنها به عمل آمده است؛ بدین ترتیب که شرط پذیرش مسئولیت توسط آنان، اعلام دارایی آنان قرار داده می‌شود که صرفاً در صورت پذیرش این شرط می‌توانند مسئولیت مربوطه را تصدی کنند. بر این اساس، لزوم اعلام دارایی توسط مقامات را نمی‌توان به معنای تجسس در امور آنان دانست و بنابراین این مصوبه که اعلام دارایی برخی مقامات را لازم دانسته است، مغایرتی با موازین شرعی ندارد. همچنین در خصوص همسر و فرزندان بالغ مقامات نیز رضایت آنان خدشه‌دار نخواهد شد و به بیان دیگر، آنها ملزم به اعلام دارایی خود نیستند؛ چه آنکه فرض بر این است که فردی که خواهان تصدی مسئولیت‌های مذکور در این مصوبه است صرفاً در صورتی می‌تواند این مناصب را تصدی کند که رضایت همسر و فرزندان بالغ خود را کسب کرده و صورت اموال آنان را اعلام کند. لزوم اعلام دارایی همسر و فرزندان نیز بدان جهت است تا از انتقال اموال نامشروع به این افراد جلوگیری به

عمل آید و مسئولان نتوانند از این امر سوء استفاده کنند. همچنین چنانچه فرد مسئول پس از دوران خدمت خود با توجه به عدم رضایت همسر یا فرزندان خود قادر به اعلام دارایی آنان نباشد، نمی‌توان وی را متخلف محسوب کرد؛ زیرا احکام قانونی منوط به وجود قدرت و توانایی فرد در انجام آنهاست و در صورت فقدان توانایی، وی مسئولیتی نخواهد داشت.

نظر شورای نگهبان

اصل طرح مبنی بر تسری شمول آن به مقاماتی که در اصل (۱۴۲) قانون اساسی ذکر نشده، خلاف حصر مستفاد از اصل مذکور تلقی و مخالف آن شناخته شد.

ماده ۳- رئیس قوه قضائیه و سایر مقاماتی که از سوی مقام معظم رهبری منصوب می‌شوند موظفند دارایی خود، همسر و فرزندان خود را قبل و بعد از خدمت به مرجعی که معظم‌له تعیین می‌کنند اعلام نمایند.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۵۷) قانون اساسی، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران زیر نظر ولایت مطلقه‌ی امر و امامت امت اعمال می‌گردند. این در حالی است که به موجب این ماده، مقام معظم رهبری مکلف به تعیین مرجعی برای رسیدگی به اموال و دارایی رئیس قوه‌ی قضائیه و سایر مقاماتی که از سوی ایشان منصوب می‌شوند و نیز همسر و فرزندان آنان شده است؛ لذا این ماده از آن جهت که مجلس شورای اسلامی (که خود، بر اساس اصل (۵۷)، زیر نظر مقام رهبری است)، مقام رهبری را ملزم به انجام امری می‌کند، مغایر با ولایت مطلقه‌ی فقیه مذکور در اصل (۵۷) و نیز مغایر با موازین شرعی است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۳)، الزام رهبری به تعیین مرجعی خاص برای دریافت گزارش اموال، خلاف موازین شرع است.

ماده ۵- شاغلین در دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی، عمومی غیر دولتی و نهادها به جز موارد ذکر شده در مواد قبلی، در صورت درخواست رئیس سازمان بازرسی کل کشور موظفند نسبت به اعلام فهرست دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود اقدام نمایند.

دیدگاه مغایرت

الف) به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، سِمَت نمایندگی قائم به شخص بوده و قابل واگذاری به دیگری نیست و مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری خود را به شخص یا هیئتی واگذار کند. به موجب ماده (۵) این مصوبه در صورت درخواست رئیس سازمان بازرسی کل کشور، مسئولان مذکور موظفند فهرست دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفلشان را اعلام کنند. با توجه به اینکه خود این ماده، مسئولان مذکور را مشخص نکرده است و تعیین آنها را به عهده‌ی رئیس سازمان بازرسی کل کشور گذاشته است، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ زیرا این امر، از جمله شئون تقنینی است که باید توسط خود مجلس انجام شود و قابل واگذاری به شخص دیگر نیست.

ب) مطابق اصل (۱۷۴) قانون اساسی سازمان بازرسی کل کشور بر اساس وظیفه‌ی نظارت قوه‌ی قضائیه نسبت به حُسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری انجام وظیفه می‌کند. به بیان دیگر، این سازمان بر این امر نظارت می‌کند که آیا مسئولین کشور مطابق با قوانین مربوطه به درستی عمل کرده‌اند یا خیر. این در حالی است که طبق ماده (۵) این مصوبه، سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند بدون اینکه هنوز شبهه‌ای ایجاد شده باشد، بدو ورود پیدا کرده و بر اموال و دارایی افراد نظارت کند. بر این اساس با توجه به اینکه این امر به معنای توسعه‌ی اختیارات این سازمان است، این ماده مغایر با اصل (۱۷۴) است.

ج) در ماده (۵) این مصوبه، عبارت «نهاد» به طور مطلق ذکر شده است و لذا رئیس سازمان بازرسی کل کشور، می‌تواند شاغلین هر نهادی را مکلف به اعلام فهرست دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفلشان کند. این در حالی است که طبق اصل (۱۷۴) قانون اساسی سازمان بازرسی صرفاً حق نظارت بر دستگاه‌های اداری را داراست و نهادهایی همچون ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) و بنیاد مستضعفان از شمول نظارت سازمان بازرسی خارج هستند. بر این اساس، اطلاق عنوان «نهادهای» در این ماده که نهادهای غیر اداری را نیز شامل می‌شود، مغایر با دامنه‌ی صلاحیت تعریف‌شده برای نظارت سازمان بازرسی کل کشور در اصل (۱۷۴) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

ماده (۵) این مصوبه، مغایرتی با اصل (۸۵) قانون اساسی ندارد؛ زیرا در خود این ماده، افراد مشمول حکم این ماده مشخص شده‌اند و تعیین آنها، به عهده‌ی رئیس سازمان بازرسی گذاشته نشده است. این ماده بیان می‌کند که کلیه‌ی شاغلین در دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی، عمومی غیر دولتی و نهادهای به جز موارد ذکر شده در مواد قبلی، در حیطه‌ی حکم این ماده هستند، ولی لازم نیست که همه‌ی این افراد، ابتدائاً فهرست دارایی خود را اعلام کنند، بلکه صرفاً در مواردی که

رئیس سازمان بازرسی کل کشور لازم بدانند، این اشخاص موظف به ارائه‌ی فهرست دارایی خود هستند. بر این اساس این ماده، امری تقنینی را بر عهده‌ی رئیس سازمان بازرسی قرار نداده است تا مفاد آن، مغایر با اصل (۸۵) قانون اساسی باشد.

نظر شورای نگهبان

نظر به اینکه ماده (۵)، وظایف و اختیاراتی علاوه بر موارد مذکور در اصل (۱۷۴) قانون اساسی برای سازمان بازرسی کل کشور مقرر داشته است، خلاف این اصل شناخته شد. همچنین اطلاق نهادها که اعم از نهادهای اداری است، مغایر اصل (۱۷۴) قانون اساسی است.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۹/۱۲/۸ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۸۹/۱۲/۲۵

[مواد (۱) و (۲) ادغام و به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:]

ماده ۱- در اجرای اصل یکصد و چهل و دوم (۱۴۲) قانون اساسی، رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور و وزیران موظفند دارایی خود، همسر و فرزندان را قبل و بعد از خدمت به رئیس قوه قضائیه اعلام نمایند.

[متن ذیل به عنوان ماده (۲) به این طرح الحاق می‌گردد:]

ماده ۲- به منظور افزایش اعتماد عمومی مردم به مسئولان جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء سلامت اداری از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، یکی از شرایط تصدی سِمَت‌های موضوع این قانون، اعلام فهرست اموال و دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل است.

ماده ۳- ...

ماده ۴- مقامات و مسئولین زیر موظفند در اجرای ماده (۲) این قانون، صورت دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از خدمت به رئیس قوه قضائیه اعلام نمایند:

۱- اعضاء حقوقدان شورای نگهبان

۲- نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۳- معاونان رئیس قوه قضائیه و رؤسای سازمان‌ها و دستگاه‌های وابسته به این قوه و معاونان آنان

۴- دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور و رئیس دیوان عدالت اداری و تمامی دارندگان پایه قضایی

- ۵- رؤسای دفاتر سران سه قوه
- ۶- معاونان وزراء
- ۷- دبیر شورای عالی امنیت ملی
- ۸- رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور
- ۹- رئیس، معاونان و دبیر کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۰- رؤساء و معاونان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی
- ۱۱- فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای مسلح با جایگاه سرتیپ تمام و بالاتر
- ۱۲- مدیران عامل و اعضاء هیئت مدیره بیمه‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آنها
- ۱۳- استانداران و معاونان آنان و فرمانداران و شهرداران مراکز شهرستان‌ها و معاونان آنان
- ۱۴- سفرا و کارداران سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران
- ۱۵- رؤساء سازمان‌ها و مدیران کل دستگاه‌های موضوع این قانون
- ۱۶- اعضاء مجامع عمومی، هیئت مدیره، هیئت امنا و مدیر عامل شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت
- ۱۷- اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل مناطق آزاد تجاری و معاونان آنان.

دیدگاه مغایرت

الف) شورای نگهبان در مرحله‌ی پیشین، مقامات مذکور در اصل (۱۴۲) را حصری دانست و حکم مقرر در این اصل مبنی بر لزوم اعلام دارایی این مقامات و همسر و فرزندان، قبل و بعد از دوران خدمت را صرفاً منصرف به این افراد دانست و بر اساس این برداشت، کلیت این مصوبه را از این حیث که برای سایر مسئولان دستگاه‌های دولتی نیز چنین تکلیفی در نظر گرفته بود، مغایر با این اصل اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع این ایراد شورای نگهبان، در ماده (۱) مصوبه‌ی اصلاحی، لزوم اعلام دارایی را مطابق با اصل (۱۴۲) محدود به رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور و وزیران و همسر و فرزندان آنها کرده است و در ماده (۲) الحاقی نیز شرط تصدی سِمَت‌های موضوع این قانون (مذکور در ماده (۴) این مصوبه) را اعلام فهرست اموال و دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل ذکر کرده است. با این وصف، اگرچه در ماده (۲) اصلاحی، لزوم اعلام فهرست دارایی در قالب شرط تصدی برخی سِمَت‌ها ذکر شده است و به بیان دیگر، به نحو اطلاق به این موضوع اشاره نشده است، ولی این امر همچنان مغایر با اصل (۱۴۲) است؛ زیرا به هر حال این ماده، مقامات دیگری را به مقامات مذکور در اصل (۱۴۲) اضافه کرده است و ذکر این شرط نمی‌تواند مغایرت این توسعه را برطرف سازد. بر این اساس، ایراد پیشین شورای نگهبان مبنی

بر حصری بودن اصل (۱۴۲) و عدم امکان تسری حکم آن به سایر مقامات همچنان باقی است.

ب) طبق ماده (۴) این مصوبه، برخی مقامات غیر مذکور در اصل (۱۴۲)، ملزم به ارائه فهرست دارایی‌های خود به رئیس قوه قضائیه شده‌اند. این در حالی است که طبق اصل (۱۴۲) رئیس قوه قضائیه صرفاً موظف به رسیدگی به دارایی مقامات نام برده شده در این اصل است و نمی‌توان وظیفه‌ای فراتر از وظایف مقرر در قانون اساسی برای وی ترسیم کرد. بر این اساس، این ماده از جهت تعیین وظیفه‌ی پذیرش اعلام دارایی این مقامات برای رئیس قوه قضائیه، مغایر با اصل (۱۴۲) قانون اساسی است. همچنین این وظیفه را نمی‌توان در عداد وظایف مصرح برای رئیس قوه قضائیه در اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانست و لذا این ماده، از این حیث که وظایفی فراتر از وظایف مقرر در اصل (۱۵۸) برای رئیس قوه قضائیه معین کرده است نیز مغایر با قانون اساسی است. همچنین از آنجا که ماده (۱۳) این مصوبه، برای عدم اعلام دارایی توسط مقامات، ضمانت اجرای کیفی در نظر گرفته است، رسیدگی به این امر باید توسط محکمه‌ی صالح صورت پذیرد که طبق اصل (۱۵۹) نیز مرجع رسمی رسیدگی به تظلمات و شکایات دادگستری است. بر این اساس، رسیدگی به جرائم مقامات غیر مذکور در اصل (۱۴۲) نیز باید توسط محاکم دادگستری صورت پذیرد و نمی‌توان آن را بر عهده‌ی شخص دیگری همچون رئیس قوه قضائیه قرار داد. بدین ترتیب، این ماده از این حیث نیز مغایر با اصل (۱۵۹) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

در بند (۱) ماده (۴) مصوبه‌ی پیشین، اعضای مجلس خبرگان به عنوان یکی از مقاماتی ذکر شده بودند که لازم بود دارایی خود را قبل و بعد از خدمت به رئیس قوه قضائیه اعلام کنند. با توجه به اینکه طبق اصل (۱۰۸) تعیین شرایط انتخاب اعضای خبرگان در صلاحیت مجلس خبرگان است، شورای نگهبان تصویب این بند را به معنای دخالت در این صلاحیت و مغایر با این اصل اعلام کرد. در حال حاضر با توجه به حذف اعضای مجلس خبرگان از فهرست مقامات مذکور در ماده (۴) اصلاحی، این ایراد برطرف شده است.

دیدگاه ابهام

بر اساس ماده (۲) اصلاحی، از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون یکی از شرایط تصدی سِمَت‌های موضوع این قانون، اعلام فهرست اموال و دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل اشخاص است. اما در این ماده مشخص نیست منظور از مقامات مذکور، افرادی هستند که از این به بعد خواهان تصدی سِمَت‌های موضوع این قانون هستند یا افراد شاغل در این سِمَت‌ها را نیز شامل می‌شود. از آنجا که در خصوص مشاغل انتخابی همچون نمایندگی مجلس شورای اسلامی نمی‌توان

افرادی را که قبلاً بر اساس شرایط قانونی انتخاب شده‌اند، طبق شرایط جدیدی مسئول دانست، شمول این شرط بر مقامات انتخابی شاغل دارای ایراد خواهد بود. به عنوان مثال نمی‌توان در صورت عدم اعلام دارایی توسط نمایندگان فعلی مجلس شورای اسلامی آنها را معزول کرد یا آنها را مستوجب مجازات دانست. بر این اساس ابتدا باید مشخص شود که منظور از حکم این ماده، شامل مقامات جدید است یا مقامات شاغل را نیز در بر می‌گیرد تا بتوان در خصوص آن اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲) جدید، به معنای الغای حصر مستفاد از اصل (۱۴۲) قانون اساسی است؛ بنابراین اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است. علاوه بر این، شمول آن نسبت به اشخاص و مقامات انتخابی شاغل فعلی مبهم است؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین اعلام فهرست اموال اشخاص و مقامات مذکور در این ماده به رئیس قوه قضائیه و رسیدگی توسط وی نیز مغایر اصول (۱۵۸)، (۱۴۲) و (۱۵۹) قانون اساسی شناخته شد.

[ماده (۳) به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:]

ماده ۳- رئیس قوه قضائیه و سایر مقاماتی که از سوی رهبری منصوب می‌شوند با اذن ایشان موظفند دارایی خود، همسر و فرزندان خود را قبل و بعد از خدمت به مرجعی که رهبری تعیین می‌کند اعلام نمایند.

دیدگاه عدم مغایرت

ایراد سابق شورا نسبت به ماده (۳) این بود که الزام رهبری به تعیین مرجعی خاص برای دریافت صورت اموال و دارایی‌های مقامات منصوب از طرف ایشان، بر خلاف ولایت مطلقه فقیه، مذکور در اصل (۵۷) و نیز مغایر با موازین شرعی است. هم‌اینک با توجه به اصلاحات به عمل آمده در ماده (۳) اصلاحی و تصریح به «اذن رهبری» برای اجرایی شدن حکم این ماده در خصوص اعلام دارایی این افراد، از آنجا که الزام پیشین برداشته شده است، ایراد پیشین شورا در این خصوص برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده ۵ حذف می‌گردد.]

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به حذف ماده (۵)، ایراد سابق شورای نگهبان نسبت به این ماده، سالبه به انتفای موضوع است.

نظر شورای نگهبان

با توجه به حذف ماده (۵)، بررسی موضوع از حیث مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع، سالبه به انتفای موضوع است.

[ماده (۱۳) به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:]

ماده ۱۳- کلیه مسئولان دستگاهها مکلفند با درخواست رئیس قوه قضائیه یا شخص منصوب از طرف ایشان، اطلاعات مربوط به دارایی افراد مورد درخواست را به همراه اسناد و مدارک در اسرع وقت تسلیم نمایند. سایر اشخاص مطلع با درخواست مقامات مذکور ملزم به همکاری و ارائه اطلاعات خود راجع به وضعیت دارایی مشمولان این قانون می‌باشند. تخلف از این ماده برای مسئولان دستگاهها و نیز ارائه اطلاعات خلاف واقع توسط اشخاص موضوع این قانون، موجب انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی از شش ماه تا یک سال می‌گردد.

دیدگاه مغایرت

الف) به موجب اصل (۱۴۲) قانون اساسی، دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، صرفاً توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود. این در حالی است که طبق ماده (۱۳) این مصوبه، رسیدگی به دارایی افراد مشمول این قانون که افراد مذکور در اصل (۱۴۲) را نیز شامل می‌شود توسط رئیس قوه قضائیه یا فرد منصوب از جانب وی انجام می‌شود. بر این اساس، اطلاق حکم ماده (۱۳) در خصوص واگذاری صلاحیت رئیس قوه قضائیه پیرامون افراد مذکور در اصل (۱۴۲) به شخصی دیگر، مغایر با این اصل است.

ب) ماده (۱۳) این مصوبه برای عدم اجرای تکالیف مذکور در این ماده، ضمانت اجرای انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی از شش ماه تا یک سال مقرر کرده است. اطلاق انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی، شامل تمامی مسئولان و مقامات اعم از مسئولان انتخابی یا انتصابی و نیز اشخاصی می‌شود که برکناری آنها مطابق قانون اساسی نیازمند تصمیم‌گیری از سوی مراجع و مقامات خاص است. به عنوان مثال انفصال رئیس جمهور یا نمایندگان مجلس شورای

اسلامی منوط به انجام برخی تشریفات است و نمی‌توان بدون انجام این تشریفات بر اساس مفاده این مصوبه، آنها را منفصل کرد. لذا اطلاق این ماده از آنجا که چنین مقاماتی را نیز شامل می‌شود، مغایر با اصولی متعددی از قانون اساسی است که مربوط به لزوم انجام تشریفات انفصال از خدمت در خصوص این مقامات است.

ج) در این ماده، ضمانت اجرای انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی به مدت شش ماه تا یک سال، برای مسئولان دستگاه‌ها در صورت عدم ارائه‌ی اطلاعات افراد مورد درخواست و نیز اشخاص موضوع این قانون در صورت ارائه‌ی اطلاعات خلاف واقع، در نظر گرفته شده است. این ضمانت اجرا به صورت مطلق هم کسانی را شامل می‌شود که عمداً مرتکب این جرائم و تخلفات می‌شوند و هم کسانی که بدون عمد و بر اثر اشتباه، مرتکب این رفتارها می‌شوند. از این رو، از آنجا که بر اساس موازین شرعی، اصولاً تعیین مجازات برای افراد در قبال رفتارهای عمدی آنهاست، اطلاق ضمانت اجرای مقرر در این ماده که رفتارهای غیر عمدی را نیز شامل می‌شود، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

آنچه از اصل (۱۴۲) قانون اساسی بر می‌آید آن است که دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه‌ی قضائیه رسیدگی می‌شود؛ اما این به آن معنا نیست که رئیس قوه‌ی قضائیه، خود شخصاً باید به این موضوع رسیدگی کند، بلکه او می‌تواند مانند سایر امور جاری در قوه‌ی قضائیه، این امر را نیز به افراد دیگری واگذار کند. لذا این ماده از این جهت که اختیار رسیدگی به اموال مقامات مذکور در اصل (۱۴۲) را افزون بر رئیس قوه‌ی قضائیه، به شخص منصوب از طرف ایشان نیز واگذار کرده است، مغایرتی با اصل (۱۴۲) ندارد.

نظر شورای نگهبان

اطلاق ماده (۱۳) جدید، در خصوص واگذاری اختیارات رئیس قوه قضائیه به شخص دیگر نسبت به مقامات مذکور در اصل (۱۴۲) قانون اساسی مغایر اصل مذکور است و نیز از آنجا که انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی در این ماده، شامل مسئولان و مقاماتی می‌شود که برای مدت معین انتخاب یا منصوب می‌شوند و اشخاصی که برکناری آنها مطابق قانون اساسی نیازمند تصمیم‌گیری از سوی مراجع و مقامات مخصوص می‌باشد، مغایر اصول متعدد قانون اساسی می‌باشد. همچنین انفصال در غیر موارد عمدی، خلاف موازین شرع شناخته شد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۰/۱/۲۸ (مرحله سوم - مصوبه اصراری)

رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

در اجرای اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوبه جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی با در نظر گرفتن مصلحت نظام و عدم تأمین نظر شورای محترم نگهبان که تحت عنوان طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران به مجلس تقدیم گردیده بود، همراه با کلیه سوابق به شرح پیوست ارسال می‌گردد.

نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام

«طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران» که برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده بود، مورد رسیدگی حقوقی قرار گرفت و بر اساس تفسیر شورای محترم نگهبان از اصل (۱۱۲) قانون اساسی، جهت طی مراحل قانونی و رفع ابهام از ماده دوم طرح، به مجلس شورای اسلامی عودت داده می‌شود.^۱

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲ (مرحله چهارم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۰/۱۲/۳

[عبارت «و ادامه تصدی آنها» بعد از عبارت «موضوع این قانون» در سطر سوم ماده (۲) اضافه می‌گردد.]

ماده ۲- به منظور افزایش اعتماد عمومی مردم به مسئولان جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء سلامت اداری از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، یکی از شرایط تصدی سِمَت‌های موضوع این قانون و ادامه تصدی آنها اعلام فهرست اموال و دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل است.

دیدگاه مغایرت

پس از ایراد مرحله‌ی پیشین شورای نگهبان نسبت به مواد (۲) و (۱۳) این مصوبه، مجلس با اصرار بر مصوبه‌ی خود، تصویب آن را موافق مصلحت نظام تشخیص داد و آن را برای حل اختلاف مطابق اصل (۱۱۲) قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال کرد. اما با توجه به اینکه یکی از ایرادهای شورای نگهبان به مصوبه‌ی پیشین، وجود ابهام در بخشی از ماده (۲)

۱. نامه‌ی شماره ۹۰۳۷۵-۹۷۰۰ مورخ ۱۳۹۰/۹/۱۲ دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

بود، مجمع تشخیص مصلحت نظام مطابق با نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از اصل (۱۱۲)، مبنی بر غیر قابل بررسی بودن موارد ابهام در مجمع^۱ این مصوبه را عیناً به مجلس عودت داد. ابهام شورای نگهبان نیز پیرامون نامشخص بودن شمول مقررات ماده (۲) بر افراد شاغل در این سِمَت‌ها بود؛ زیرا در خصوص برخی مشاغل مانند نمایندگی مجلس شورای اسلامی نمی‌توان پس از انتخاب آنها، شرطی جدید برای استمرار تصدی شغل آنها گذاشت. بر این اساس، هم‌اینک مجلس شورای اسلامی برای رفع این ابهام، عبارت «و ادامه تصدی آنها» را به ماده (۲) اضافه کرده است که حاکی از آن است که در خصوص افراد شاغل نیز حکم ماده (۲) را جاری می‌داند. لذا اگرچه با تصریح به این عبارت، ابهام شورا برطرف شده است ولی تصریح به اینکه اعلام فهرست دارایی، شرط ادامه‌ی تصدی سِمَت‌های موضوع این قانون است، خود دارای ایراد است. به بیان دیگر، ایراد احتمالی شورای نگهبان با توجه به تصریح مصوبه‌ی اصلاحی به عبارت «ادامه تصدی»، به ایراد قطعی تبدیل شده است.

از سوی دیگر، در مصوبه‌ی اصلاحی فعلی، در خصوص ایراد شورای نگهبان نسبت به ماده (۱۳) نیز هیچ‌گونه اصلاحی به عمل نیامده است. بنابراین، ایراد شورا در خصوص این ماده نیز کماکان به قوت خود باقی است.

نظر شورای نگهبان

علاوه بر اینکه اشکالات سابق این شورا در بندهای مختلف اعلامی رفع نگردیده و کماکان باقی است، در خصوص این مورد نیز علی‌رغم رفع ابهام به عمل آمده، همان اشکال، جاری و اشکالات سابق مرتفع نگردیده است.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۱/۲/۱۷ (مرحله پنجم) - مصوبه اصراری
ماده ۲- به منظور افزایش اعتماد عمومی مردم به مسئولان جمهوری اسلامی ایران و
ارتقاء سلامت اداری از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، یکی از شرایط تصدی

۱. نظریه‌ی تفسیری شماره ۸۳/۳۰/۷۵۴۷ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۶ شورای نگهبان: «استفاد از اصل (۱۱۲) قانون اساسی این است که مجمع تشخیص مصلحت نظام، حق تشخیص مصلحت در مصوبه‌ای از مجلس شورای اسلامی را دارد که شورای نگهبان در مورد آن اعلام نظر نموده باشد و تمام یا قسمتی از آن را خلاف شرع یا مغایر قانون اساسی بداند. هرگاه شورای نگهبان قسمتی از مصوبه‌ای را مبهم دانسته و از مجلس شورای اسلامی خواستار بیان مُراد خود از آن قسمت شده باشد تا پس از آن اعلام نظر کند، قبل از تبیین مُراد و اعلام نظر شورای نگهبان درباره آن، مجمع تشخیص مصلحت نظام حق بررسی و اعلام تشخیص مصلحت در موارد خلاف را ندارد.»

سیمت‌های موضوع این قانون و ادامه تصدی آنها اعلام فهرست اموال و دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل است.

...

ماده ۱۳- کلیه مسئولان دستگاه‌ها مکلفند با درخواست رئیس قوه قضائیه یا شخص منصوب از طرف ایشان، اطلاعات مربوط به دارایی افراد مورد درخواست را به همراه اسناد و مدارک در اسرع وقت تسلیم نمایند. سایر اشخاص مطلع با درخواست مقامات مذکور ملزم به همکاری و ارائه اطلاعات خود راجع به وضعیت دارایی مشمولان این قانون می‌باشند. تخلف از این ماده برای مسئولان دستگاه‌ها و نیز ارائه اطلاعات خلاف واقع توسط اشخاص موضوع این قانون، موجب انفصال موقت از خدمات دولتی و عمومی از شش ماه تا یک سال می‌گردد.

...

سرانجام مصوبه

* با توجه به اصرار مجلس شورای اسلامی نسبت به مصوبه‌ی خویش، این مصوبه مطابق با اصل (۱۱۲) قانون اساسی، در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۲۳ برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.^۱ این مصوبه، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۸/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به شرح زیر تصویب و به مجلس شورای اسلامی ابلاغ شد:^۲

«بازگشت به نامه شماره ۳۱/۷۷۲۰ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۳ در خصوص طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته و در اجرای اصل یکصد و دوازده (۱۱۲) قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردیده بود، در جلسه روز شنبه مورخ ۱۳۹۴/۸/۹ شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر اساس چهارچوب مطرح شده در مرقومه شماره ۱/۲۸۸۲۳ مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۶ مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، در شش ماده، بیست و نه بند و سه تبصره به شرح پیوست تصویب گردید.

ماده ۱- مقامات تعیین شده در اصل (۱۴۲) قانون اساسی، فهرست دارایی‌های خود، همسر

۱. طی نامه‌ی شماره ۳۱/۷۷۲۰ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۳ رئیس مجلس شورای اسلامی، خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. مندرج در نامه‌ی شماره ۸۷۹۸۳/۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۴ رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی.

و فرزندان‌شان را مطابق آیین‌نامه‌ای که توسط قوه قضائیه ذیل این قانون تهیه و ابلاغ می‌شود، در ابتدا و انتهای دوره مسئولیت به رئیس قوه قضائیه گزارش می‌دهند و قوه قضائیه نسبت به رسیدگی به اموال آنان از جهت بررسی عدم افزایش من غیر حق اقدام می‌نماید.

ماده ۲- به منظور افزایش اعتماد عمومی مردم به مسئولان جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء سلامت اداری از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، یکی از شرایط تصدی سِمَت‌های موضوع این قانون، تمهید به ارائه فهرست دارایی‌های خود، همسر و فرزندان تحت تکفل، در قالب خوداظهاری به قوه قضائیه است.

ماده ۳- مقامات و مسئولین زیر موظفند در اجرای این قانون، صورت دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از هر دوره خدمتی به رئیس قوه قضائیه اعلام نمایند.

۱- نمایندگان مجلس خبرگان رهبری

۲- اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام

۳- مقامات منصوب از سوی رهبری

۴- اعضای شورای نگهبان

۵- نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونان رئیس مجلس و مدیران کل مجلس

۶- معاونان رئیس قوه قضائیه و رؤسای سازمان‌ها و دستگاه‌های وابسته به این قوه و معاونان و مدیران کل آنان

۷- دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور و رئیس دیوان عدالت اداری و رؤسای کل دادگستری استان‌ها و معاونان همه آنها و سایر دارندگان پایه قضایی

۸- مشاوران سران سه قوه

۹- رؤسای دفاتر سران سه قوه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری

۱۰- دستیار ارشد رئیس جمهور، معاونان وزرا، مدیران کل و همتران آنها

۱۱- دبیران شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیئت دولت، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی

۱۲- رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور، معاونان آنان و اعضای هیئت مستشاری

۱۳- رئیس، قائم‌مقام، معاونان و دبیر کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱۴- رؤسا و معاونان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مدیران کل آنها

۱۵- فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح از درجه سرتیپ تمام و بالاتر و همتران آنها و

رؤسای کلانتری‌ها

۱۶- مدیران عامل، اعضاء هیئت مدیره بیمه‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آنها، رؤسای مناطق و رؤسای شعب ارزی و ویژه و سرپرست‌های مناطق

۱۷- رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار و معاونان وی، رؤسای بورس‌های تخصصی، مناطق و فرابورس

۱۸- رئیس و اعضاء هیئت عامل صندوق توسعه ملی

۱۹- استانداران و معاونان آنان، فرمانداران، شهرداران و اعضاء شورای شهر تمام شهرها و شهرداران مناطق کلان‌شهرها و معاونان آنها

۲۰- سفرا و کارداران، سرکنسول‌ها و مسئولان حفاظت منافع و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور

۲۱- نمایندگان دولت در مجامع عمومی، هیئت مدیره، هیئت امنا و مدیر عامل شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی

۲۲- اعضاء هیئت مدیره و مدیرعامل و بازرسان مناطق ویژه و مناطق آزاد تجاری و معاونان آنان

۲۳- رئیس کل گمرک و معاونان وی و مدیران کل گمرک و رؤسای گمرکات کشور

۲۴- رئیس سازمان مالیاتی، معاونین، مدیران کل و سرممیزین

تبصره ۱- رئیس قوه قضائیه موظف است دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از خدمت به مرجعی که رهبری تعیین می‌کند، اعلام نماید.

تبصره ۲- قائم‌مقام مقاماتی که طبق مقررات دارای قائم‌مقام هستند، مشمول این قانون می‌باشند.

ماده ۴- صورت دارایی افراد مشمول این قانون شامل موارد زیر است :

۱- کلیه اموال غیر منقول و حقوق دارای ارزش مالی

۲- مطالبات و دیون

۳- سرمایه‌گذاری و اوراق بهادار

۴- موجودی حساب‌های مختلف در بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و نظایر آنها

۵- هرگونه منبع درآمدی مستمر

تبصره- کلیه اموال و دارایی‌های در تصرف افراد مشمول قانون که به اقتضای جایگاه و

مسئولیت شغلی در اختیار آنها قرار داشته و صرفاً در مصارف سازمانی و شغلی (غیر شخصی) قابل بهره‌برداری می‌باشند، مشمول مراتب تعیین شده در این قانون نمی‌باشد.

ماده ۵- فهرست دارایی‌های افراد مشمول و نیز اسناد و اطلاعات مربوط به آن به‌جز در مواردی که در این قانون و آیین‌نامه ذیل آن تعیین شده است، محرمانه بوده و هر یک از مسئولان و کارکنان که حسب وظیفه مأمور تهیه، ثبت، ضبط و حفظ فهرست دارایی‌های افراد مشمول یا اسناد و اطلاعات مرتبط با آن، موضوع این قانون باشند و یا بر حسب وظیفه اسناد مذکور در اختیار آنان قرار گیرد، اگر عالماً عامداً مرتکب افشاء یا انتشار مندرجات این اسناد شوند و یا خارج از حدود وظایف اداری در اختیار دیگران قرار دهند یا به هر نحوی، دیگران را از مفاد آنها مطلع سازند، به یکی از مجازات‌های درجه (۶) مقرر در ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم خواهند شد. همین مجازات در مورد کسانی نیز مقرر است که با علم و اطلاع، مبادرت به افشاء، چاپ و یا انتشار اطلاعات مزبور نموده و یا موجبات افشاء، چاپ و یا انتشار آنها را فراهم نمایند.

چنانچه افشاء اطلاعات بر اثر عدم رعایت نظامات اداری غیر عمد باشد، مرتکب و یا مرتکبین به یکی از مجازات‌های از درجه (۸) مقرر در ماده (۱۹) قانون فوق‌الذکر محکوم خواهند شد.

ماده ۶- قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، آیین‌نامه اجرایی قانون را تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه ابلاغ نماید.»